

## کارکرد تقابلِ دوقطبی واژگان ناهمگن قرآن در تولید معنا (مطالعه موردی جزء ۲۹ قرآن کریم)

جواد گرجامی<sup>۱</sup>، عادل آزاددل<sup>۲</sup>، سولماز پرشور<sup>۳</sup>

۱- استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، javad.garjami@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، azaddel@uma.ac.ir

۳- کارشناس ارشد دانشگاه محقق اردبیلی، olmazporshoor@yahoo.com

### چکیده

قرآن کریم که تجلیگاه کلام الهی است، افزون بر معانی و محتوای ژرف مشحون از صنایع ادبی بی‌بدیلی است که شنوندگان را تحت تأثیر قرار داده و جان‌ها را در قبضه‌ی تصرف خویش درآورده است. یکی از این صنایع ادبی که در لطافت بخشیدن به فضای موسیقایی قرآن و القای معانی آن نقش مؤثری دارد، کاربست واژگان ناهمگن است. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا با بهره از عظمت قرآن، با رویکرد توصیفی - تحلیلی به موسیقی دل‌نشین برخی واژگان ناهمگن در جزء ۲۹ و ارتباط آن‌ها با محتوای گنجانیده در آن بپردازیم تا جنبه‌ای از اعجاز قرآن کریم را نشان دهیم. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار تمام اجزاء و عناصر واژگان ناهمگن چنان حساب شده و دقیق است که از یک سو به موسیقایی شدن آیات کمک شایانی کرده و از سویی دیگر هماهنگ با محتوا و اغراض دینی بوده و مخاطب را در القای هر چه بهتر معانی و مفاهیم آیات قرآنی یاری می‌کند.